



پژوهش تطبیقی عصری بودن فهم قرآن از دیدگاه مغنیه و شلتوت*

ناصر عابدینی (نویسنده مسؤل)^۱

علیرضا دل افکار^۲

اکبر توحیدلو^۳

چکیده:

عصری بودن فهم قرآن به عنوان یکی از لوازم جاودانگی و جهان شمولی قرآن کریم، به این معناست که می توان با نگاه جدید به پاسخگویی نیازهای مخاطبان پرداخت و اقتضائات و شرایط فرهنگی اجتماعی هر عصری را در نظر گرفت؛ چیزی که در فهم جدید قرآن تأثیر داشته و مفاهیم این کتاب آسمانی را در هر زمان و مکان و نزد هر قومی با تفسیر جدیدی که این کتاب ظرفیت آن را دارد، تازه ساخته است. این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی، عصری بودن فهم قرآن را در دو تفسیر مهم از فریقین (تفسیر الکاشف و تفسیر القرآن الکریم)، به شکل تطبیقی کاویده است. یافته های پژوهش نشان می دهد که مغنیه با نگرش اقماعی و شلتوت با رویکرد تقریبی، تفسیر خود را عصری ساخته، یعنی نیازها و اقتضائات زمان و مکان موجب شده که این دو مفسر با دو رویکرد متفاوت در فهم آیات قرآن، هم عصریت را به عنوان یک مبنا پذیرفته، و هم قائل به تأثیر عصریت شده و مواردی نظیر آیات علوم در قرآن، تعیین مصادیق جدید و لزوم پاسخگویی به شبهات پیرامون قرآن را به عنوان عوامل عصری بودن فهم قرآن ذکر کرده اند. در این میان مغنیه توسعه پذیری معنا در فهم و تفسیر قرآن را به عنوان یکی از عوامل عصری بودن فهم قرآن می پذیرد و شلتوت آن را مخالف با فصاحت و بلاغت و اهداف تربیتی و هدایتی قرآن می داند.

کلیدواژه ها:

عصری بودن تفسیر / فهم قرآن / مغنیه / شلتوت

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۲۲، تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۷/۱۷.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2019.55274.2628

n.abedini@pnu.ac.ir

delafkar@pnu.ac.ir

tohidlou53@gmail.com

۱- دانشجوی دکتری دانشگاه پیام نور

۲- دانشیار دانشگاه پیام نور

۳- استادیار دانشگاه پیام نور

به گواهی آیات متعدّد قرآن کریم، فهم معانی و معارف، کشف حقایق و درک وقایع قرآن به طبقه، گروه، جامعه و نژاد خاصی اختصاص ندارد و هر انسانی در هر عصری می‌تواند با تدبّر، تفکّر و تعقّل در آیات قرآن و سیر در آفاق و انفس، مفاهیم و مصادیق آیات قرآن را جست‌وجو کرده و آن را با واقعیّات عصر خود تطبیق دهد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ص ۴۴۸؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۶: ص ۱۰۸؛ اشکوری، ۱۳۷۱، ج ۱: ص ۳۸۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۰: ص ۳۸۹؛ مدرّسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۳: ص ۲۵۸)

همچنین بر اساس روایاتی از ائمه معصومین علیهم‌السلام، نظیر روایاتی که تازه‌تر و شاداب‌تر ماندن قرآن در بحث و نشر را، دلیلی بر نزول قرآن برای هر زمان و مکانی و نزد هر قومی بیان می‌کند (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲: ص ۸۷؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۰: ص ۸۰۰)، روایاتی که آیات قرآن را دارای ظاهری زیبا و باطنی ژرف و عمیق معرفی می‌کند (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱: ص ۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۹: ص ۱۷)، روایاتی که ظاهر آیات قرآن را به تنزیل و باطن آن را به تأویل معنا کرده و تأویل قرآن را به‌مثابه گردش ماه و خورشید می‌داند که در گذر زمان جریان دارد (صفّار، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ص ۱۹۶؛ ابن ابی زینب، ۱۳۹۷: ص ۱۳۴)، روایاتی که لازمه درک و فهم آیات قرآن را منوط به ترجمان و استنطاق می‌داند (سیّد رضی، ۱۳۷۹، ج ۲: ص ۳۸۷؛ ج ۳: ص ۴۹۹)، روایاتی که مردم آخرالزمان را مردمی متعمّق و موشکاف و دقیق معرفی می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ص ۹۱)، روایاتی که تأکید می‌کند تفسیر قرآن بر هفت حرف است و بخشی از آن واقع شده و قسمتی هنوز نیامده است که آن را تنها ائمه می‌دانند (صفّار، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ص ۱۹۶) و روایاتی که قرآن را جامع اخبار و علوم مختلف می‌داند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ص ۹۱) مفاهیم و مصادیق آیات قرآن در هر زمان و مکانی بر حوادث و اشخاصی که شرایط و موقعیت آن را داشته باشد، جری و تطبیق دارد و هر انسانی به فراخور درک و فهم خود از قرآن، می‌تواند از دریای علوم، اخبار و معارف قرآن بهره‌گیرد و مخاطب قرآن باشد.

این صفات و ویژگی‌ها بستر مناسبی را فراهم آورده تا عالمان و مفسران اسلامی با تعقّل و تدبّر در آیات آن، ساحت‌ها و جنبه‌های جدیدی از جهان‌شمولی و جاودانگی قرآن کریم را اثبات کنند. یکی از این ساحت‌ها و جنبه‌ها، رویکردی به فهم قرآن است که مناسب با زمان و مکان انجام می‌گیرد و از آن به‌عنوان عصری‌بودن فهم قرآن یاد



می‌شود. زیرا واژه «عصری» در لغت به کسی که خود را با زمانه تطبیق کرده و از آن پیروی کند، معنا شده (بستانی، ۱۳۷۵: ص ۶۱۲) و در اصطلاح، گاهی مراد از آن، زمان و مکان به معنای فلسفی است (طباطبایی، بی‌تا: صص ۲۱۴ و ۱۲۹). در مواردی نیز منظور از آن، تقاضا یا پدیده به وجود آمده در زمانی خاص، ذوق و سلیقه مردم یک زمان، تغییر نیازها و احتیاجات انسان در طول زمان‌های مختلف است (مطهری، ۱۳۷۳، ج ۱: صص ۱۸۱-۱۹۴). در حوزه فهم قرآن مراد از واژه عصری، تأثیر نیازها و احتیاجات واقعی بشر در هر زمان و مکانی در فهم آیات قرآن است.

اصطلاح عصری‌بودن فهم به عنوان یکی از مسائل مهم دانش تفسیر (هرمنوتیک)، از جمله مباحثی است که برای نخستین بار میان دانشمندان مسیحی در حوزه کتاب مقدس رواج یافت (ایازی، ۱۳۷۸: ص ۳۳). آنان در بحث از انواع تفسیر، پس از تقسیم تفسیر به دو نوع عام و خاص، قسم سوم را نیز با عنوان تفسیر کاربردی مطرح نموده‌اند (عزیز، ۱۳۹۵: ص ۵۴). همچنین در بحث از صلاحیت‌ها و ویژگی‌های مفسر، میزان بهره‌مندی مفسر از علوم و دانش‌های ضروری و نیز شناخت جامعه و نیازهای واقعی آن در هر عصری را در فهم کتاب مقدس، تأثیرگذار دانسته‌اند. (همان: صص ۵۶۹-۵۷۳)

عده‌ای از اندیشمندان مسلمان نیز در حوزه قرآن کریم، عصری‌بودن فهم قرآن را به هماهنگ کردن ساختار و محتوای تفسیر با زبان نوشتاری هر عصری معنا کرده و نگرش ظاهری را برگزیده‌اند (معرفت، ۱۳۷۳، ج ۲: ص ۴۵۹). این شیوه از فهم قرآن به معنای واقعی آن عصری نبوده و بر اساس آن، دیدگاه‌های قرآن درباره تحولات و واقعیات اجتماعی، علمی، فرهنگی و سیاسی عصر، تبیین نمی‌شود. گروهی از اندیشمندان مسلمان تحصیل کرده در مغرب‌زمین نیز با مشاهده پیشرفت‌های علوم تجربی و انسانی در غرب و با نیت خدمت به قرآن، آیات قرآن را با قضایای این علوم تفسیر کرده و از عصری‌بودن فهم قرآن به تفسیر علمی تعبیر نموده‌اند (محمود، ۱۹۹۹: ص ۴۹؛ شحرور، ۱۹۹۶: ص ۳۶). این برداشت نوعی نگاه تک‌بعدی به عصری‌بودن فهم قرآن و غفلت از سایر ابعاد آن بوده و افراط در چنین برداشتی از آیات قرآن، موجب سرایت دامنه تغییرات نظریات علوم مختلف در حوزه قرآن نیز می‌شود، در حالی که قرآن از باطل به دور است. برخی نیز با دیدگاهی به نسبت معتدل به گروه قبلی، با تعبیر از علوم تجربی و انسانی به عنوان علوم خادم قرآن، آن را در فهم آیات قرآن سودمند دانسته‌اند (ایازی، ۱۳۷۸: ص ۴۵). عده‌ای نیز عصری‌بودن فهم قرآن را مترادف با تفسیر



علمی دانسته و با بیان دلایلی، عصری بودن فهم قرآن را انکار کرده‌اند (بنت الشاطی، بی تا: ص ۷). این گروه اگرچه عصری بودن فهم قرآن را هم معنا با تفسیر علمی دانسته و به انکار آن پرداخته‌اند، اما با گرایش نواندیشی در تفسیر ادبی، بر پاسخگو بودن قرآن به نیازهای عصر در قالب تفسیر موضوعی تأکید کرده‌اند که خود مصداق عصری بودن فهم قرآن است. برخی نیز با تفکیک بین نگرش علمی و عصری بودن فهم قرآن، بر این باورند که فهم قرآن عام و کلی است و مخاطب قرآن در هر زمان و مکانی با تدبیر و تفکر در آیات قرآن، می‌تواند فهم مطلوبی از قرآن داشته باشد (ایازی، ۱۳۷۸: ص ۴۲). این شیوه به نوعی انکار تفسیر علمی به‌عنوان بعدی از عصری بودن فهم قرآن است، در حالی که در برخی از آیات قرآن به مباحث علمی اشاره شده که در زمان نزول، کسی از آن اطلاعی نداشته و مدت‌ها بعد توسط دانشمندان کشف شده است. همچنین برخی نیز دیدگاه اعتدالی را پذیرفته و با قبول تفسیر علمی به‌عنوان یکی از ابعاد عصری بودن فهم قرآن، مادامی که با تکیه بر اصول و قواعد صحیح تفسیری باشد، ویژگی‌ها، ضرورت‌ها و تقاضاها در هر زمان و مکانی را که به مجموع آن مسائل عصری گفته می‌شود، در فهم قرآن تأثیرگذار دانسته‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱: ص ۲۴)

عصری بودن فهم قرآن به‌عنوان یکی از مبانی تفسیر، اصطلاحی است که در چند دهه اخیر مورد توجه قرآن‌پژوهان و مفسران بوده است (ایازی، ۱۳۷۸: ص ۳۴)، از این‌رو اینکه مراد از عصری بودن فهم قرآن چیست، آیا این دیدگاه ادله قرآنی و روایی دارد، چه عواملی موجبات فهم عصری از قرآن است، نوع نگرش اندیشمندان مسلمان به آن چیست، مجموعه پرسش‌هایی است که حکایت از اهمیت پرداختن به این موضوع دارد. همچنین بررسی تطبیقی این مسائل در دو اثر مهم تفسیری فریقین، یعنی «الکاشف» مغنیه و «تفسیر القرآن الکریم» شلتوت، به دلیل جایگاه علمی برجسته و ویژه این دو تفسیر در حوزه تفاسیر عصری و نیز طرح مباحث اجتماعی، تربیتی و تقریبی در آن، بیانگر اهمیت و اولویت این پژوهش است.

پیشینه پژوهش

در خصوص عصری بودن فهم قرآن، کتاب‌هایی همچون «القرآن محاوله لفهم العصری» مصطفی محمود، «الکتاب و القرآن و قراءه معاصره» محمد شحرور، «قرآن و تفسیر عصری» محمدعلی ایازی و «القرآن و التفسیر العصری» عایشه بنت الشاطی به

رشته تحریر درآمده است. و نیز مقالاتی مانند «مخاطب‌مداری، رویکرد روش تفسیر عصری» زهره شریعت رضوی، «اثربرداری بازرگان از جریان‌های عصری، در تفسیر قرآن» حمیدرضا فقهی تبار، رساله و پایان نامه‌هایی همچون «بررسی تطبیقی جایگاه حدیث در تفاسیر عصری» محمد مولوی و «اعجاز تشریحی در تفاسیر عصری» صغری یزدانی رستم نگاشته شده است.

با مطالعه پیشینه آثار مرتبط با موضوع عصری‌بودن فهم قرآن، می‌توان ادعا کرد که در این حوزه، به‌ویژه در باب بررسی تطبیقی آن از دیدگاه مغنیه و شیخ شلتوت، مقاله مستقلی تألیف نشده است.

عصری‌بودن فهم قرآن از دیدگاه مغنیه

مغنیه عصری‌بودن فهم قرآن را به‌عنوان یکی از مبانی تفسیر با بیان عباراتی نظیر «با اختلاف دوران‌ها زبان تفسیر نیز اختلاف پیدا می‌کند» و «تفسیر همانند هنر از شرایط محیطی سرچشمه می‌گیرد»، می‌پذیرد و دلیل بها دادن به مباحثی همچون ساختارهای فصیح و معانی بلیغ قرآن از سوی مفسران پیشین، و همچنین ارائه تفسیر متناسب با عصر حاضر در تفسیرش را ناشی از تفاوت ویژگی‌های زمانی و مکانی حیات آنان با عصر خودش دانسته و بر این باور است که چون در عصر این مفسران قانون و ارزش‌های قرآنی و اسلامی حاکم بوده، از این‌رو پرداختن آنان به این مسائل در تفسیر قرآن و اختلاف زبان تفسیری آنان با زمان ما امری طبیعی است. در حالی که در عصر حاضر به دلیل غلبه و نفوذ فرهنگ غرب بر کشورهای اسلامی، احکام، عقاید و اخلاق قرآنی و اسلامی از جامعه اسلامی و نهادهای آن حذف، و قوانین و مقررات غربی و غیر اسلامی در شؤون مختلف مسلمانان حاکم شده و از این‌رو باید با نشر حقایق دینی، مرتبط ساختن دین با انواع مظاهر زندگی و اهمیت دادن به جنبه انسانی قرآن با باوراندن ارزش‌های دینی برای مخاطبان، غبار غربت از چهره اسلام و قرآن زدوده شود (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۱: صص ۷۸-۸۹). از این‌رو همین استدلال مغنیه در ارائه تفسیر مطابق با ویژگی‌ها، نیازها و اقتضائات هر عصری، بیانگر اعتقاد ایشان به عصریت و تفاوت فهم و بیان تفسیر است.



۱. نگرش مغنیه به عصری بودن فهم قرآن

مغنیه هدف اصلی خود از نگارش تفسیر قرآن را ارائه راهکار برای حل مشکلات و معضلاتی می‌داند که موجب شده نسل جدید از قرآن و ارزش‌های اسلامی رویگردان شوند. از این رو نگرش وی به عصری بودن فهم قرآن، برخلاف دیدگاه علمی، انکاری، تفکیکی سایر قرآن‌پژوهان، اقناعی بوده و از طریق انطباق دادن نیازهای عصر با اصول و فروع قرآنی و متفاوت بودن فهم قرآن در هر زمان و مکانی، به اثبات حضور دین در زندگی انسان می‌پردازد. ایشان در خصوص این رویکرد می‌نویسد: «هر تفسیری دارای خصوصیتی است که بر دیگر ویژگی‌های آن غلبه دارد. خصوصیت بارز تفسیر من عبارت است از «قانع کردن». قانع کردن خواننده به اینکه دین با تمام اصول و فروع و تعالیم خود، خیر، کرامت و سعادت انسان را طالب است و هرکس از این هدف منحرف شود، از حقایق دین و راه استوار زندگی منحرف شده است. من برای اینکه به هدف مزبور برسم، کوشیده‌ام تا شرح آیات قرآنی را به صورتی ساده، آسان و روشن بیاورم، تا خواننده در هر سطحی که باشد، آن را بفهمد.» (همان: ص ۸۸)

۲. عوامل عصری بودن فهم قرآن از دیدگاه مغنیه

برخی از عوامل عصری بودن فهم قرآن، همچون صفات و ویژگی‌های قرآن کریم، آیات علوم در قرآن و توسعه‌پذیری معنا در فهم و تفسیر قرآن، درون‌متنی بوده و ریشه‌اش را باید در متن آیات قرآن جست‌وجو کرد. دسته‌ای از این عوامل نیز نظیر مصادیق جدید، تفاوت سطح دانش مفسران و پاسخگویی به شبهات حول قرآن، برون‌متنی بوده و منشأ آن را باید در خارج از محتوای آیات قرآن جست‌وجو کرد. مجموع این عوامل عبارتند از:

الف) صفات و ویژگی‌های قرآن کریم

مغنیه با استناد به برخی آیات، صفات و ویژگی‌هایی را برای قرآن کریم بیان کرده که دلالت بر عصری بودن فهم قرآن دارد. ایشان در تفسیر «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ...» (اسراء: ۹)، تعالیم قرآن را تا حدی وسیع و عمیق می‌داند که هر انسانی در هر عصری می‌تواند از آن فهم و تفسیری شایسته و متناسب با آن زمان و مکان داشته باشد که پاسخگویی خواسته‌ها و نیازهای فطری ایشان است (همان، ج ۵: ص ۴۳). مغنیه در

تفسیر آیات ۱۳۸ آل عمران و ۵۲ قلم، «بیان للناس» و «ذکر للعالمین» بودن قرآن را اشاره آن به سنت‌ها و پندهایی می‌داند که مردم هر عصری فهم تازه‌ای از آن دارند. (همان، ج: ۷؛ ص: ۶۶۲؛ ج: ۲؛ ص: ۲۶۴)

ب) آیات علوم در قرآن

مراد از آیات علوم در قرآن، آیاتی است که در آن به قضایای مسلّم علمی اشاره شده است. مانند قانون زوجیت در آیه «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ...» (ذاریات: ۴۹). عده‌ای از مفسران مراد از زوجین را نر و ماده دانسته‌اند که می‌تواند در عالم انسان، حیوان و گیاه باشد و با کمی توسعه معنایی، تمام نیروهای مثبت و منفی را شامل می‌شود، و این همان چیزی است که امروزه از آن به‌عنوان یک قانون مسلّم علمی تعبیر شده و اتم‌ها را تشکیل یافته از اجزای مختلفی دانسته است که از آن جمله، اجزای دارای دو بار الکتریکی مثبت به نام الکترون و بار الکترویکی منفی به نام پروتون می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج: ۲؛ ص: ۳۷۶؛ مدرّسی، ۱۴۱۹ق، ج: ۱۴؛ ص: ۶۴؛ قرشی، ۱۳۷۵، ج: ۱۰؛ ص: ۳۵۴؛ شعرانی، ۱۳۸۶، ج: ۳؛ ص: ۱۲۰۶؛ اصفهانی، بی‌تا، ج: ۱۲؛ ص: ۳۹۲). مغنیه نیز در تفسیر این آیه، دلالت «كُلُّ شَيْءٍ» را دلالتی عام دانسته و با استناد به یافته‌های علمی، بر این باور است که هیچ ذره‌ای در جهان نیست، مگر آنکه از الکترون مثبت و منفی تشکیل شده و دارای دو عنصر جاذبه و دافعه است. (مغنیه، ۱۳۷۸، ج: ۷؛ ص: ۲۵۹)

همچنین قانون منشأ حیات بودن آب در آیه «... وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا...» (انبیاء: ۳۰). از دیدگاه مفسران، اگر واژه «جَعَلَ» را متعددی به مفعول واحد بدانیم، به معنای «خَلَقَ» بوده و در معنای آیه دو احتمال قابل تصور است: هر موجود زنده‌ای از آب آفریده شده است. در این صورت مراد از آن در بعضی موارد، نطفه هم می‌تواند باشد. و یا اینکه هر موجود زنده‌ای برای بقای خود نیاز به آب دارد. اما اگر دو مفعولی بدانیم، به معنای «صَيَّرَ» بوده و معنایش این است که هر چیز زنده‌ای را نیازمند به آب ساختیم (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج: ۳؛ ص: ۱۱۳؛ طبرسی، ۱۳۷۵، ج: ۴؛ ص: ۱۴۲). از این رو عنصر حیاتی بودن این ماده در خلقت، اعم از اینکه در اصل به‌وجود آمدن موجودات زنده و یا در استمرار آن نقش داشته باشد، مطلبی است که در بحث‌های علمی جدید به اثبات رسیده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج: ۱۴؛ ص: ۳۹۳؛ قرشی، ۱۳۷۵، ج: ۶؛ ص: ۵۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج: ۳؛ ص: ۳۹۶؛ فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج: ۱۵؛ ص: ۲۱۹؛ مدرّسی، ۱۴۱۹ق،



ج ۷: ص ۳۰۴؛ مراغی، بی تا، ج ۱۷: ص ۲۶؛ قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۴: ص ۲۳۷۱). به باور مغنیه نیز، آب منبع حیات برای هر چیزی است که از استعداد رشد برخوردار بوده، خواه آن انسان، حیوان و یا گیاه باشد. (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۴: ص ۴۴۵)

از نظر مغنیه، شیوه قرآن در بیان مسائل علمی با تمامی شیوه‌ها متفاوت بوده و پرداختن قرآن به یک مسأله علمی، همانند روش دانشمندان علوم طبیعی نیست که کلیات و جزئیات آن را بیان کنند، بلکه قرآن با زبان اشاره، رمز، گذرا و یا با بیان واژه‌ای که ممکن است معاصران آن را نفهمند، اما باور دارند که تاریخ و آینده به‌زودی این واژه را شرح و این مسأله علمی را اثبات خواهد کرد، به توصیف مسائل علمی می‌پردازد. به عقیده ایشان، کشف و برملا ساختن مباحث علمی قرآن در زمان‌های مختلف، حقیقتی است که در حدود چهارده قرن پیش بر زبان ابن عباس جاری شده است: «قرآن را تفسیر نکنید، زیرا زمان آن را تفسیر می‌کند» (همان، ج ۶: ص ۷۷۷). مغنیه پیشرفت علوم را موجب محکم‌تر و واضح‌تر شدن مفاهیم قرآنی می‌داند. (همان: ص ۷۵۱)

ج) توسعه‌پذیری معنا در فهم و تفسیر قرآن

توسعه‌پذیری در معانی و مفاهیم واژگان قرآنی از عوامل اساسی عصری بودن فهم قرآن است. چنین توسعه‌ای این پرسش را مطرح می‌کند که آیا از واژه‌های قرآن همان معانی عصر نزول قرآن قصد می‌شود که مردم آن زمان می‌فهمیدند، و یا اینکه منظور از لغت، تمام معانی متداول هماهنگ با سیاق و پیام جمله را شامل می‌شود (ایازی، ۱۳۷۴، ج ۸: ص ۲۳). بدون تردید توسعه‌بخشی معانی الفاظ قرآن بیانگر وجهی از جاودانگی قرآن از حیث لفظ و معنا و ارائه فهم و تفسیری عصری از قرآن کریم بوده و به‌عنوان ابزاری در ارائه چنین فهم و تفسیری است، به‌شرطی که درجه فهم و اندازه درک مخاطب، ملاک چنین برداشتی باشد. (همو، ۱۳۹۱: ص ۶۲)

از این رو بیشتر مفسرانی که غالباً رویکرد عصری در تفسیر قرآن دارند، هنگام تفسیر آیات قرآن، اگر معنای آیه با مفاهیم عصرشان قابل انطباق باشد، به آن اشاره می‌کنند. از جمله آیه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا فَرِيقًا مِنَ الَّذِينَ أوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ» (آل عمران: ۱۰۰)، در جهت بیان هشدار به مسلمانان عصر پیامبر ﷺ در خصوص فریبکاری اهل کتاب است. از دیدگاه بعضی از مفسران، مفهوم این آیه به قوت خود باقی بوده و متوجه اهل ایمان در هر عصر و زمانی است که از اهل کتابی که

در صدد انحراف مسلمانان هستند، پیروی نکنند (قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ص ۴۳۸؛ شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۲: ص ۱۹۰؛ کرمی، ۱۴۰۲ق، ج ۲: ص ۸۹؛ جعفری، ۱۳۷۶، ج ۲: ص ۲۰۴). مغنیه نیز پس از ذکر سبب نزول آیه فوق، مفهوم آیه را بر تلاش‌های مبلغان مسیحی در عصر کنونی و نیز بر تمامی تلاش‌هایی که برخی از اهل کتاب و دیگران قصد دارند با آن، وحدت کلمه مسلمانان را از بین ببرند و آنها را از دینشان بازدارند و احساس وطن‌دوستی و آزادی‌خواهی را در آنان نابود کنند تا طعمه‌ای گوارا برای هر غاصب و غارتگر باشند، قابل انطباق دانسته است. (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۲: ص ۱۹۹)

مغنیه فراوانی بار معانی واژگان و عبارات قرآنی را به‌عنوان یکی از وجوه اعجاز قرآن و ویژگی‌ها، منحصر به الفاظ قرآنی می‌داند که حتی در حدیث نبوی چنین امتیازی وجود ندارد. ایشان علت سفارش امام علی علیه السلام به ابن عباس در خصوص عدم استدلال به آیات قرآن و احتجاج به سنت با خوارج را همین چندمعنایی آیات قرآن ذکر می‌کند و سرّ این فراوانی بار معانی آیات قرآن را نه در توانایی لفظ، بلکه در توانایی گوینده آن می‌داند (همان، ج ۵: ص ۷۱۴). مغنیه برای توضیح این مطلب، به این سخن ابن عربی استناد می‌کند که هر انسانی هنگام تلاوت قرآن، در هر تلاوتی معنای خاصی را می‌یابد که در تلاوت نخست این معنا را نیافته بود (همان، ج ۱: ص ۸۹). ایشان با اشاره به روایتی از ابن عباس (قرآن را زمان تفسیر خواهد کرد)، استعداد هر انسان و زمان را به‌عنوان عنصری فعال در کشف و درک معانی واژگان قرآنی می‌داند (همان، ج ۲: ص ۶۱۲). مغنیه در تفسیر آیه ۵۳ نساء، نمونه عینی تحقق توسعه معانی واژگان این آیه در زمان فعلی را جنایات یهودیان (اسرائیل غاصب) در اشغال سرزمین فلسطین و کشتار زنان، مردان و کودکان فلسطینی و بیرون راندن آنان از سرزمینشان می‌داند. (همان: ص ۵۵۳)

د) تعیین مصادیق جدید

گاهی به دلیل تحولات زمان و فاصله گرفتن از عصر نزول قرآن، مصادیق برخی از مفاهیم آیات قرآن نیز متحول می‌شود که از آن به پیدایش مصادیق جدید و نو برای مفاهیم آیات قرآن تعبیر شده است؛ مانند قدرت جنگی در آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ...» (انفال: ۶۰). به باور مفسران، تعبیر آیه تعبیری وسیع است و بر هر زمان و مکانی قابل تطبیق بوده و واژه «قوه» در هر عصری، وسایل جنگی و



سلاح‌های مدرن آن عصر را شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۷: ص ۲۲۱؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۹: ص ۱۴۴؛ مراغی، بی‌تا، ج ۱۰: ص ۲۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ص ۲۲۰؛ زحیلی، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ص ۸۱۶؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۴: ص ۸۶؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰: ص ۱۰۸؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۲: ص ۲۷۶). مغنیه در تفسیر آیه بر این نکته تأکید دارد که ابزار تیراندازی از تیروکمان در عصر نزول آیه به مصادیقی همچون تفنگ، بمب‌ها، موشک‌ها، بمب‌های هسته‌ای و هیدروژنی تحوّل پیدا کرده است. (مغنیه: ۱۳۷۸، ج ۳: ص ۷۶)

همچنین مصادیق مرکب در آیه «وَ خَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ» (یس: ۴۲)، در عصر حاضر بر طیاره و سفینه‌های فضایی و ... قابل تعمیم است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۸: ص ۳۹۵؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ص ۱۳۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۲: ص ۲۶). مغنیه نیز مصداق جدید مرکب در زمان کنونی را ماشین، هواپیما و سفینه فضایی بیان می‌کند (مغنیه: ۱۳۷۸، ج ۶: ص ۵۱۲). همچنین غارت ثروت نفت کشورهای اسلامی توسط استعمارگران در قالب تأسیس کلیسا، انجمن دینی، باشگاه فرهنگی و ... را به‌عنوان مصادیق جدید مسجد ضرار در آیه ۱۰۷ توبه می‌داند. (همان، ج ۴: ص ۱۶۵)

هـ) تفاوت سطح دانش مفسران

بهره‌مندی مفسران از علوم مورد نیاز تفسیر نظیر علوم اسلامی، انسانی و تجربی، به دلیل اشاره قرآن به مسائل این علوم به جهت هدایت بشر، نقش مهمی در فهم بهتر آیات قرآن دارد و بر قدرت فکری آنان در تبیین آیات قرآن می‌افزاید. از این‌رو میزان بهره‌مندی مفسران از آن بیانگر تفاوت سطح دانش آنان در تفسیر قرآن است، نظیر آیه «وَ إِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ» (تکویر: ۶). بیشتر مفسران با استناد به نظر تفسیری صحابه و تابعان، «سُجِّرَتْ» را به روان شدن، پر شدن، شکافته شدن، خشک شدن، به حرکت درآمدن و برافروخته شدن آتش در دریاها معنا کرده‌اند. (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳۰: ص ۴۳؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۵: ص ۴۴۱؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۲۰: ص ۱۵۹)

فخر رازی نخست اقوالی از فقّال نظیر برافروخته شدن آتش جهنّم در زیر دریاها به سبب اتمام دنیا، افتادن ماه و ستارگان در دریاها، پراش شدن آن و ... را بیان کرده و سپس این اقوال را تکلف‌آمیز دانسته و خداوند متعال را قادر بر خراب کردن دنیا، برپایی قیامت، گرم و آتشین کردن آب دریاها و شعله‌ور کردن آتش از میان آب‌ها

می‌داند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۱: ص ۶۵). اما برخی از مفسران معاصر با استناد به یافته‌های علوم تجربی بر این باورند که زمانی که خورشید تاریک شد، توازن جذب و دفع میان خورشید و زمین و در نتیجه تعادل در میان نیروی ثقل و فشار گازها و مواد گداخته درون زمین به هم می‌خورد و با انفجارهای شدید و همه‌جانبه، قشر فاصل و حافظ از میان می‌رود و کوه‌ها به حرکت درمی‌آید و گازها و مواد داغ و گداخته، آب دریاها را به سرعت تبخیر می‌کند و طوفان مواد مذاب و آتش دریاها را فرا می‌گیرد (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۳: ص ۱۷۳). برخی نیز با استناد به یافته‌های علم شیمی، آب را ترکیب یافته از دو ماده اکسیژن و هیدروژن می‌دانند که هر دو سخت قابل اشتعال است، بعید نیست که در آستانه قیامت، آب دریاها چنان تحت فشار قرار گیرد که تجزیه شوند و یکپارچه تبدیل به آتش گردند (قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۶: ص ۳۸۳۹؛ قاسمی، ۱۴۱۶ق، ج ۹: ص ۴۱۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۶: ص ۱۷۵؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۲۴: ص ۹۰؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۷: ص ۳۵۲). استنباط مغنیه در تفسیر این آیه برخلاف دیدگاه سایر مفسران، که یا به نقل روایات پرداخته‌اند و یا مباحث علمی را مطرح کرده‌اند، نوعی نگاه جامع است. ایشان پس از نقل روایت «دریا پرده جهنم است»، فعال شدن آتشفشان‌ها و به‌وقوع پیوستن زلزله‌ها را شاهدهی بر اثبات محتوای این روایت در پژوهش‌های علمی می‌داند. (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۸: ص ۵۰)

همچنین درباره آیه «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ» (بقره: ۲۷۵)، بیشتر مفسران با استناد به نظر تفسیری صحابه و تابعان، بر این باورند که رباخواران در آخرت مانند فردی که بر اثر تصرفات شیطان مجنون گشته، برانگیخته می‌شوند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳: ص ۶۸؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۲: ص ۵۴۴). برخی از مفسران، دیوانه کردن شیطان را از باب تشبیه و عده‌ای نیز از باب تمثیل دانسته‌اند (طوسی، بی‌تا، ج ۲: ص ۳۵۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ص ۶۶۹؛ ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ج ۲: ص ۲۶۹). زمخشری بر این باور است که قرآن صرفاً به اعتقاد اعراب عصر نزول قرآن، که تماس شیطان و جن با انسان را موجب دیوانگی افراد می‌دانسته‌اند، اشاره کرده است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ص ۳۲۰). اما برخلاف نظر مفسران قبلی که شرح آن گذشت، گروهی از مفسران معاصر، «يقومون» را به قیام و مشی و نحوه و طرز زندگی رباخواران در دنیا تفسیر کرده‌اند (قرشی، ۱۳۷۵، ج ۱: ص ۵۲۳). رشید رضا به نقل از ابن عطیه، مفهوم آیه را ناظر به احوال رباخواران در دنیا می‌داند و پس از



اشاره به قول زمخشری، احتمال دیگری را در تفسیر آیه مطرح کرده و می‌نویسد: «پزشکان عصر حاضر اثبات کرده‌اند که منشأ صرع، امراض عصبی بوده و موجودات پنهانی که از آن به جنّ تعبیر شده، نقشی در ایجاد آن ندارد و بهتر است این موجودات پنهان که علت بیشتر مرض‌ها است و با ابزاری همچون میکروسکوپ‌ها قابل مشاهده بوده، میکروب نامیده شود، ... زیرا مقام قرآن بالاتر از آن است که علم با آن مخالفت کند.» (رشید رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۳: ص ۹۴) علامه طباطبایی نیز در تفسیر المیزان، در خصوص نحوه دیوانه شدن انسان توسط شیطان می‌نویسد: «نسبت دادن جنون دیوانگان به شیطان، به‌طور استقلال و بدون واسطه نیست، بلکه شیطان اگر کسی را دیوانه می‌کند، به‌وسیله اسباب طبیعی است. مثلاً اختلالی در اعصاب او پدید می‌آورد، و یا آفتی به مغز او وارد می‌کند.» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ص ۶۳۴) برداشت مغنیه از مفهوم آیه برخلاف اقوال تفسیری سایر مفسران، نوعی نگاه جامع است. ایشان در تفسیرش ضمن بیان اعتقاد اعراب عصر نزول که تماس شیطان و جنّ با انسان را موجب دیوانگی افراد می‌دانسته‌اند، به پیام اجتماعی آیه که در عصر حاضر با یافته‌های علوم رفتاری مطابقت دارد نیز اشاره می‌کند و بر این باور است وضعیت رباخوار کاملاً همانند وضعیت دیوانه‌ای است که کارهایش را بی‌هدف انجام می‌دهد و تعادلی ندارد. (مغنیه، ۱۳۷۴، ج ۱: ص ۷۴۴)

(و) پاسخگویی به شبهات پیرامون آیات قرآن

در عصر حاضر تفاسیر مختلفی با جهت‌گیری تربیتی، اجتماعی، علمی، عقلی و ... با انگیزه پاسخگویی به نیازها، شبهات و ایرادات مخاطبان به رشته تحریر درآمده است. از جمله این شبهات عبارت‌اند از: شبهه خلقت آسمان‌ها و زمین در شش روز در آیه «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ...» (اعراف: ۵۴). برخی از مفسران با استناد به قول تفسیری حسن بصری، مراد از ایام را ایام دنیا دانسته و عده‌ای نیز با استناد به نظر تفسیری ابن عباس و مجاهد، منظور از آن را ایام آخرت دانسته‌اند که مقدار هر روز آن برابر با هزار سال دنیا است (سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ص ۵۲۰؛ میدی، ۱۳۷۱، ج ۳: ص ۶۲۸؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۷: ص ۲۱۹). در خصوص دو قول تفسیری بالا این شبهه تقویت می‌شود که چگونه ممکن است خلقت آسمان‌ها و زمین در شش روز یا شش هزار سال اتفاق بیفتد، درحالی که طبق محاسبات علمی، کرات آسمانی و زمین

در طول میلیون‌ها سال و با فعل و انفعال‌های بسیار کند و تدریجی به‌وجود آمده است؟! (ایازی، ۱۳۷۸: ص ۱۲۶)

برای پاسخ به این شبهه، گروهی از مفسران معاصر، «سئۀ ایام» را به شش دوران، اوقات و مرحله تفسیر کرده‌اند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ص ۳۷۲؛ صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ص ۱۵۷؛ قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۳: ص ۱۲۹۷؛ قرشی، ۱۳۷۵، ج ۳: ص ۴۲۵؛ مدرّسی، ۱۴۱۹ق، ج ۳: ص ۳۳۶؛ خسروانی، ۱۳۹۰، ج ۳: ص ۲۵۰؛ ابوزهره، ۱۳۹۵ق، ج ۶: ص ۲۸۶۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۶: ص ۲۰۰؛ جعفری، ۱۳۷۶، ج ۴: ص ۱۰۱؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۳: ص ۷۹). مغنیه در پاسخ به شبهه خلقت آسمان‌ها و زمین در شش روز، «سئۀ ایام» را به شش مرحله، شش حالت، شش روز از روزهای خدا که با معیار زمان ما قابل سنجش نیست، تفسیر کرده و معتقد است که تعیین عدد خاص برای آن حاصل حدس و گمان بوده و یقین‌آور نیست (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۳: ص ۵۲۴). از نظر ایشان، یکی از عوامل رویگردانی نسل جدید از دین و مفاهیم قرآنی، همخوانی و هم‌آوایی نداشتن تفاسیر موجود با شرایط زمانی و مکانی عصر حاضر و پاسخگو نبودن این تفاسیر به شبهات و پرسش‌های نسل جدید است. از این‌رو مغنیه در تفسیر آیات قرآن، شبهات و پرسش‌ها و سؤالاتی را که ممکن است در ذیل یک آیه مطرح شود، بیان می‌کند و سپس با روش اقناعی، به آن پاسخ می‌دهد.

عصری‌بودن فهم قرآن از دیدگاه شلتوت

به باور شلتوت، اجتهاد یکی از ارکان شریعت در تفسیر قرآن و فقه بوده و خداوند متعال در آیات قرآن در حوزه عقاید، اخلاق و احکام شرعی، انسان را به صراط مستقیم که همان مسیر اعتدال و حد وسط است، هدایت کرده و در تمامی این حوزه‌ها، برای نمونه در باب قانونگذاری و وضع قوانین، در مواردی که عقول بشری به‌طور مستقل و به تنهایی قادر به درک آن با تغییر زمان، مکان و اشخاص نبوده، قوانین تغییرناپذیری را وضع کرده، و مواردی را که عقل قادر به درک آن با تغییر زمان، مکان و اشخاص بوده، به خود مردم واگذار کرده است (شلتوت، ۱۳۸۹: صص ۳۰-۳۶). ایشان با این بیان به‌نوعی تأثیر اقتضائات زمان و مکان و نیازهای روز در تفسیر قرآن و فقه، باز بودن باب اجتهاد در تفسیر قرآن و فقه و همچنین عصری‌بودن فهم قرآن را پذیرفته‌اند. از این‌رو شلتوت هدف از تربیت فارغ التحصیلان علوم اسلامی را در جامعه الأزهر، آموزش و

تعلیم مجتهدانی می‌داند که اقتضائات زمان و مکان را درک کرده و بدانند که نیاز امروز در فقه و عقاید دینی غیر از نیاز دیروز است. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۵: ص ۱۶)

۱. نگرش شلتوت به عصری‌بودن فهم قرآن

شلتوت در مقدمه تفسیر القرآن الکریم بحثی را با عنوان «دو چیز که باید تفسیر قرآن را از آن دور نگه داشت»، آورده و یکی از آنها را تأویل کردن قرآن طبق خواست اهل مذهب دانسته و استناد به آیات قرآن توسط مذاهب مختلف اسلامی به‌عنوان وسیله‌ای برای اثبات عقاید خود را از عوامل تحقیر قرآن می‌داند. از این‌رو ایشان در آثار تفسیری خود (الی القرآن الکریم و تفسیر القرآن الکریم) با نگرش تقریبی به تفسیر قرآن، تلاش کرده تا آیات قرآن را که برخی از متعصبان افراطی به منظور توجیه مذهب خود آن را از نص صریح و مفهوم اصلی خارج ساخته‌اند، به راه اصلی خود، یعنی راه وحدت و تقریب و همبستگی بازگرداند.

شلتوت در تفسیر قرآن، به‌جای بررسی تک‌تک آیات، به بررسی مفاهیم و مقاصد کلی آیات قرآن در یک سوره پرداخته و از سوره‌های دیگر، آیاتی را که مناسبتی با موضوع مورد بحث داشته، به‌عنوان شاهد نقل می‌کند. به تعبیر دقیق‌تر، شلتوت با نگرش تقریبی، که هدف آن سامان دادن به جامعه اسلامی و حفظ وحدت مسلمانان با ارائه چهره به‌هم پیوسته از آیات قرآن در حوزه‌های مختلف عقاید، احکام و اخلاق است، به اثبات تناسب بین آیات پرداخته و گاهی مجموع آیات در سوره‌های مختلف حول یک موضوع را یکجا جمع‌آوری کرده و البته گاهی به وحدت موضوعی و اختلاف موضوعی سوره‌های قرآن نیز اشاره می‌کند. برای مثال ایشان در تفسیر سوره انعام، به بررسی وحدت موضوعی چهار سوره قبل (حمد، بقره، آل عمران و نساء) می‌پردازد و هدف مشترک این چهار سوره مدنی را تنظیم امور مسلمانان به‌وسیله قانونگذاری برای ایشان به‌عنوان یک امت مستقل و راهنمایی آنان برای برخورد با همسایگان در مسائل مربوط به عقیده و احکام در دو حالت صلح و جنگ می‌داند (شلتوت، ۱۳۸۹: ص ۴۱۹)، سپس به متفاوت بودن اهداف سوره انعام با چهار سوره قبلی می‌پردازد. (همان: ص ۴۳۰)



۲. عوامل عصری بودن فهم قرآن از دیدگاه شلتوت

شلتوت با نگرش تقریبی به تفسیر قرآن، قائل به باز بودن باب اجتهاد در حوزه فقه و عقاید دینی بوده و شریعت اسلام را شریعتی جاودانه و شایسته برای همه زمان‌ها و همه مکان‌ها دانسته و وظیفه صاحبان دانش را فراهم آوردن وسایلی می‌داند که به وسیله آن، شایستگی اجتهاد در شناخت حکم الهی را پیدا کنند (همان: ص ۲۴۷). از نگاه ایشان، مهم‌ترین عواملی که موجب ارائه تفسیر و فهم متناسب با خصوصیات و شرایط هر عصری از قرآن می‌شود، عبارت‌اند از:

الف) اوصاف و ویژگی‌های قرآن کریم

شلتوت در بیان دلایل عصری بودن فهم قرآن، آیاتی از قرآن را شاهد می‌آورد و در تفسیر آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ...» (بقره: ۲۱)، خطاب و ندای عمومی آیه را به تمام گروه‌ها با عنوان کلی انسان در هر زمان و مکانی با در نظر گرفتن عقل و اندیشه و تفکر داده شده به وی به امید رهایی از عوامل ویرانگر انسانیت می‌داند (شلتوت، ۱۳۸۹: ص ۷۸). همچنین در تفسیر آیه «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» (اسراء: ۹)، هدایت قرآن را هدایت آسمانی دانسته که کامل‌ترین برنامه‌ها در زمینه صلاح دنیا و آخرت به بشر را در سراسر جهان نشان می‌دهد. (همو، ۱۳۶۱: ص ۴۳۰)

ب) آیات علوم در قرآن

از نظر شلتوت، اگر در آیات قرآن اشاره‌ای به کلیت راز و رمز آفرینش، پدیده‌های طبیعی و ... شده، از این جهت بوده که انسان با تأمل و کاوش در چنین آیاتی، با ایمان مضاعف در مسیر هدایت گام بردارد (همو، ۱۳۸۹: ص ۱۱). به باور ایشان، در بیشتر آیات قرآن کریم، به کلیت مسائل مختلف علوم طبیعی، پزشکی و نظامی اشاره شده که دانشمندان علوم مختلف امروزه آن را کشف کرده‌اند (همو، ۱۳۶۱: ص ۱۲۱). ایشان در کتاب *من توجیهات الاسلام (سیری در تعالیم اسلام)*، به برخی از اصول پزشکی در قرآن، نظیر واجب نبودن روزه بر مسافر و مریض به دلیل رفع ناراحتی‌ها و جلوگیری از شدت یافتن بیماری، حرام بودن مشروبات الکلی و گوشت خوک برای مصون ماندن از آسیب‌ها، تراشیدن موی سر در حج برای دفع مواد عفونی از بدن و ... اشاره می‌کند و آیه «وَيَسْئَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أذىً فَأَعْتَرِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ» (بقره: ۲۲۲) را بیانگر



مصونیت بدن در برابر آسیب‌های ضد بهداشتی دانسته و به تطبیق مفهوم آیه با یافته‌های پزشکی جدید، که قاعدگی را حساس‌ترین زمان سرایت بیماری‌ها می‌دانند، می‌پردازد (همان: ص ۱۴۱). شلتوت در تفسیر آیه ۱۶ نوح می‌نویسد: «از اشاره‌های دقیق علمی در نظام هستی این است که آیات، خورشید را در آسمان‌ها قرار نداده‌اند و این کاملاً با یافته‌های اخیر هماهنگ است که خورشید مرکز منظومه شمسی است و ستارگان آن را احاطه کرده‌اند و ماه هم در آنجا قرار دارد و یکی از آنهاست.» (همو، ۱۳۸۷: ص ۲۲۲) از این رو همین استناد شلتوت به برخی از قضایای مسلم علمی که در قرآن اشاره شده، بیانگر این مطلب است که ایشان تفسیر علمی را اگر با اصول و قواعد تفسیر قرآن مخالفتی نداشته باشد، به عنوان یکی از ابعاد تفسیر عصری می‌پذیرد.

ج) تعیین مصادیق جدید

اگر مفهوم آیه ارتباطی با مصادیق موجود در عصر حاضر در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... داشته باشد، شلتوت به آن اشاره می‌کند. ایشان در تفسیر آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ...» (انفال: ۶۰)، واژه «قوه» در آیه را شامل تمام انواع مهمات و نیروی‌های هوایی، دریایی و زمینی می‌داند (شلتوت، ۱۳۶۱: ص ۱۹۵). ایشان در کتاب سیری در تعالیم اسلام (من توجیهات الاسلام) در بحث بسیج و نبرد، مسجد ضرار مورد اشاره در آیه «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِداً ضِرَاراً وَكُفْراً وَتَفْرِيقاً بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ» (توبه: ۱۰۷) را به لانه فساد ساخته‌شده توسط منافقان در صدر اسلام در قالب مسجد و عبادتگاه می‌داند و مصداق واقعی آن در عصر را حاضر همان لانه‌های فساد ترسیم می‌کند که در ظاهر با رنگ دانش، فرهنگ، بهبودی و اصلاح، اقتصاد و ثروت و ... تزئین شده و باطن آن چیزی جز غارت مسلمانان توسط استعمارطلبان نیست. (همان: ص ۲۱۷)

د) پاسخگویی به شبهات حول آیات قرآن

اگر در خصوص آیه‌ای شبهه‌ای مطرح شده باشد که حکایت از تعارض قرآن با علوم جدید، مسائل تربیتی، اجتماعی و ... دارد، شلتوت پس از ذکر شبهه، به بهترین شکل به آن پاسخ می‌دهد. ایشان در تفسیر آیات تحریم ربا در سوره آل عمران، در پاسخ به این شبهه که ربا در عصر کنونی یک دادوستد عمومی و از ارکان اقتصاد و در

معاملات و وام‌های بین‌المللی به‌عنوان یک اصل پذیرفته شده در ارتباط دولت‌ها و ملت‌ها با همدیگر بوده و تحریم آن به ضرر جامعه اسلامی و موجب انزوای کشورهای اسلامی در عرصه جهانی است، چنین تفکری را در درجه نخست ناشی از نبود یک دولت نیرومند اسلامی می‌داند که اجرای قوانین آن موجب بی‌نیازی امت‌ها و گروه‌های مختلف از نظر اقتصادی می‌شود. سپس کسب‌وکار طبیعی را موافق با اساس فطرت انسان دانسته و شکل‌گیری جامعه اسلامی بر اساس یک نظام معقول را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر معرفی می‌کند که در آن، همکاری و صمیمیت با یکدیگر و کمک به مستمندان از طریق قرض‌الحسنه دادن، بهتر از تن دادن به بار سنگین نظام ربوی و در نهایت غارت اموال مردم از روی ظلم‌وستم است.

از نظر شلتوت، در نگرش اسلام، تحریم ربا خود جنبه اقتصادی دارد و جامعه سالم و شایسته بدون ربا، جامعه‌ای است که بر پایه‌های استوار بنا شده و متوازن بوده و تک‌تک افراد آن فعال است. در حالی که جامعه ربوی، بعضی از افراد جامعه کار می‌کنند و بعضی دیگر تنبل و تن‌پرور و برای بقایشان به دیگران متکی بوده و در چنین جامعه‌ای، توزان به هم خورده و ضعف و بدبختی، فراگیر و ذلت و زبونی، عمومی است. (همو، ۱۳۸۹: صص ۱۷۴-۱۷۸)

همسانی و ناهمسانی دو دیدگاه

مغنیه با نگرش اقناعی و شلتوت با رویکرد تقریبی، عصری‌بودن فهم قرآن به معنای تأثیر نیازها و اقتضائات زمان و مکان در فهم قرآن را با استناد به آیاتی از قرآن پذیرفته‌اند. هر دو تفسیر آیات علوم در قرآن، پاسخگویی به شبهات حول قرآن و ارتباط برخی مفاهیم آیات با مصادیق هر عصر و زمانی را از عوامل مهم عصری‌بودن قرآن قلمداد کرده‌اند که بیانگر وجه اشتراک دیدگاه ایشان در بیشتر مسائل این حوزه است.

در این میان، وجه افتراق دیدگاه مغنیه و شلتوت در باب عصری‌بودن فهم قرآن، در خصوص توسعه‌پذیری معنا در فهم و تفسیر قرآن، به‌عنوان یکی از عوامل عصری‌بودن فهم قرآن است. مغنیه فراوانی بار معنایی و توسعه‌بخشی در معنای واژگان قرآنی را از ویژگی‌های الفاظ قرآنی دانسته و از آن به‌عنوان ابزار و عاملی مهم در عصری‌بودن فهم تعبیر کرده و در تفسیر برخی از آیات قرآن، نظیر آیه ۱۰۰ آل عمران، ۵۳ نساء و ...، به آن اشاره کرده است.



شلتوت استعمال الفاظ از معانی وضعی به معانی دیگر را فقط در صورت وجود قرینه، صحیح می‌داند و با ذکر دلایلی، توسعه‌پذیری معنا در فهم و تفسیر قرآن را انکار می‌کند. نخست آنکه چنین برداشتی را برخلاف فصاحت و بلاغت قرآن، مخالف فهم عرب عصر نزول قرآن و سبک بیانی قرآن دانسته و با توسعه معنایی برخی از آیات قرآن توسط عرفا و فلاسفه مخالفت نموده است؛ نظیر حمل معنای «احیا» به باقی نگه داشتن احکام، زنده کردن مردگان توسط حضرت عیسی علیه السلام به زنده کردن روحی، مورچه در داستان حضرت سلیمان علیه السلام بر قبیله‌ای ضعیف، ستارگان در داستان حضرت ابراهیم علیه السلام به جوهرهای نورانی عقلانی، مانده در داستان حضرت عیسی علیه السلام به حقایق معارفی که غذای روح‌اند و ... (شلتوت، ۱۳۸۹: صص ۴۳-۵۳). دیگر اینکه شلتوت هدف اصلی قرآن در بیان مسائل اعتقادی، اخلاقی و دستورات شرعی را هدایت و تربیت انسان با روش‌هایی همچون توجه دادن بشر به نظر و تدبیر در ملکوت آسمان‌ها و زمین، پند و عبرت گرفتن از سرگذشت پیشینیان، بیداری شعور درونی در آدمی و انذار و تبشیر دانسته و چنین تلقی از معانی واژگان قرآنی را مغایر با اهداف نزول قرآن می‌داند. (همو، ۱۳۸۷: صص ۱۴-۱۶)

نتیجه‌گیری

عصری بودن فهم قرآن به‌عنوان یکی از مبانی تفسیر، به‌معنای تأثیر نیازها، اقتضانات، فرهنگ و شرایط اجتماعی هر زمان و مکانی در فهم آیات قرآن، ازجمله مباحثی است که اندیشمندان مسلمان در چند دهه اخیر، با تأسی و الگوبرداری از عالمان مسیحی در بحث از دانش تفسیر (هرمنوتیک)، و همچنین با استناد به آیاتی از قرآن و روایاتی از معصومان علیهم السلام، دامنه آن را به تفسیر قرآن نیز بسط و گسترش داده و عده‌ای دیدگاه ظاهری، گروهی نگرش علمی، برخی نظریه تفکیکی و تعدادی نیز دیدگاه اعتدالی را برگزیده‌اند.

مغنیه با نگرش اقناعی و قانع کردن مخاطب، با ارائه تفسیر متناسب با عصر مخاطب و اهمیت دادن به جنبه انسانی قرآن، با باوراندن ارزش دینی، عصری بودن فهم قرآن را به‌عنوان یک مبنا پذیرفته و بر این باور است که با اختلاف دوران‌ها، زبان تفسیر نیز اختلاف پیدا می‌کند. شلتوت با رویکرد تقریبی، با هدف بازگشت به راه اصلی قرآن، یعنی راه وحدت و همبستگی، ضمن پذیرش عصری بودن فهم قرآن، اجتهاد در حوزه

فقه و تفسیر قرآن را جزء ارکان شریعت دانسته و نیاز امروز در عقاید دینی و فقه را با نیاز دیروز متفاوت دانسته است. هر دو مفسر عواملی نظیر آیات علوم در قرآن، تعیین مصادیق جدید و لزوم پاسخگویی به شبهات پیرامون قرآن را به‌عنوان عوامل عصری‌بودن فهم قرآن ذکر کرده‌اند.

در این میان، مغنیه توسعه‌پذیری معنا در تفسیر قرآن را به‌عنوان یکی از عوامل و ابزار عصری‌بودن فهم قرآن می‌پذیرد و شلتوت با رد آن، چنین برداشتی را مخالف با فصاحت و بلاغت و اهداف هدایتی و تربیتی قرآن می‌داند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آلوسی، محمود (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب الاسلامیه.
۳. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز.
۴. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷)، النبیة للنعمانی، تهران: صدوق.
۵. ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق)، التحریر و التنویر، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
۶. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق)، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۷. ابن فارس، احمد (۱۴۲۰ق)، معجم المقاییس اللغه، تحقیق ابراهیم شمس الرین، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۸. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۹. ابوزهره، محمد (۱۳۹۵ق)، زهرة التفاسیر، بیروت: دارالفکر.
۱۰. اشکوری، محمد بن علی (۱۳۷۳)، تفسیر شریف لاهیجی، تصحیح جلال‌الدین محدث، تهران: دفتر نشر داد.
۱۱. اصفهانی، سیده نصرت امین (۱۳۶۱)، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران: نهضت زنان مسلمان.



۱۲. ایازی، سیّد محمدعلی (۱۳۷۴)، تأثیر زمان و مکان در فهم قرآن، تهران: کنگره بررسی مبانی فکری حضرت امام خمینی.
۱۳. _____ (۱۳۷۸)، قرآن و تفسیر عصری، تهران: دفتر نشر اسلامی.
۱۴. ایازی، سیّد محمدعلی؛ پارسایی، تهمنه (۱۳۹۱)، «توسعه معنایی در تفسیر قرآن کریم»، فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۱۳، صص ۶۱-۷۸.
۱۵. بحرانی اصفهانی، عبدالله (۱۴۱۳ق)، عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الآيات والأخبار و الأقوال، تصحیح محمد باقر موحد ابطحی اصفهانی، قم: مؤسسه المهدی.
۱۶. بستانی، فواد افرام (۱۹۰۶)، فرهنگ اجدی، ترجمه رضا مهیار، تهران: اسلامی.
۱۷. بنت الشاطی، عایشه (بی تا)، التفسیر البیانی، قاهره: دارالمعارف.
۱۸. بی آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۸۵)، شیخ شلتوت طلایه دار تقریب، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب.
۱۹. جعفری، یعقوب (۱۳۷۳)، تفسیر کوثر، قم: هجرت.
۲۰. خسروانی، علیرضا (۱۳۸۶)، تفسیر خسروی، تحقیق محمدباقر بهبودی، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۲۱. رشید رضا، محمد (۱۴۱۴ق)، المنار، بیروت: دارالمعرفه.
۲۲. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷)، تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن.
۲۳. زحیلی، وهبه (۱۴۲۲ق)، التفسیر الوسیط، دمشق: دارالفکر.
۲۴. زمخشری، محمودبن عمر (۱۴۰۷ق)، الکشاف، بیروت: دارالکتاب العربی.
۲۵. سمرقندی، نصرین محمد (۱۴۱۶ق)، تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، تحقیق عمری محمد، بیروت: دارالفکر.
۲۶. سیّدرضی، محمدبن حسن (۱۳۷۹)، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ترجمه علی تقی فیض الاسلام، تهران: مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الاسلام.
۲۷. شاذلی، سیدبن قطب (۱۴۲۵ق)، فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشروق.
۲۸. شاه عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳)، تفسیر اثنی عشری، تهران: نشر میقات.
۲۹. شحرور، محمد (۱۹۹۶)، کتاب و القرآن و قراءة المعاصر، بیروت: شركة المطبوعات.
۳۰. شعرانی، ابوالحسن (۱۳۸۶)، پژوهشهای قرآنی علامه شعرانی در تفاسیر مجمع البیان، روح الجنان و منهج الصادقین، تحقیق محمدرضا غیاثی کرمانی، قم: بوستان کتاب.

۳۱. شلتوت، محمود (۱۳۶۱)، من توجهات الاسلام، ترجمه سیّد خلیل خلیلیان، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۳۲. _____ (۱۳۸۷)، الی القرآن الکریم، ترجمه سیّد حسن سیّدی، مشهد: به‌نشر.
۳۳. _____ (۱۳۸۹)، تفسیر القرآن الکریم، ترجمه محمدرضا عطایی، مشهد: به‌نشر.
۳۴. صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم: فرهنگ اسلامی.
۳۵. صدوق، محمدبن علی (۱۳۷۸)، عیون الاخبار الرضا علیه السلام، تحقیق مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان.
۳۶. صفّار، محمدبن حسن (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات، تحقیق محسن کوجه‌باغی، قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.
۳۷. طالقانی، محمود (۱۳۶۲)، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۳۸. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر همدانی، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۹. _____ (بی‌تا)، نه‌ایة الحکمه، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۴۰. طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۴۱. _____ (۱۳۷۵)، تفسیر جوامع الجامع، ترجمه مجموعه نویسندگان، مشهد: به‌نشر.
۴۲. طبری، محمدبن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه.
۴۳. طوسی، محمدبن حسن (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۴. عزیر، فهیم (۱۳۹۵)، دانش تفسیر در سنّت مسیحی یهودی، ترجمه علی نجفی‌نژاد، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
۴۵. عیاشی، محمدبن مسعود (۱۳۸۰)، التفسیر العیاشی، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
۴۶. فخررازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۷. فضل‌الله، سید محمدحسین (۱۴۱۹ق)، من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک.
۴۸. قاسمی، جمال‌الدین (۱۴۱۸ق)، تفسیر القاسمی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۴۹. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۷)، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت.
۵۰. قرطبی، محمدبن احمد (۱۳۶۴)، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو.

۵۱. کرمی، محمد (۱۴۰۲ق)، التفسیر لکتاب الله المنیر، قم، نشر علمیّه.
۵۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۵۳. ماتریدی، محمد بن محمد (۱۴۲۶ق)، تأویلات اهل السنه، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۵۴. ماوردی، علی بن محمد (بی تا)، النکت و العیون، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۵۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵۶. محمود، مصطفی (۱۹۹۹)، القرآن محاولة لفهم العصری، قاهره: دارالمعارف.
۵۷. مدرسی، محمدتقی (۱۴۱۹ق)، من هدی القرآن، تهران: دار محبی الحسین.
۵۸. مراغی، احمد مصطفی (بی تا)، تفسیر المراغی، بیروت: دار الفکر.
۵۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، اسلام و مقتضیات زمان، تهران: انتشارات صدرا.
۶۰. معرفت، محمدهادی (۱۴۱۰ق)، التمهید فی علوم القرآن، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیّه قم.
۶۱. مغنیه، محمدجواد (۱۳۷۸)، تفسیر الکاشف، ترجمه موسی دانش، قم: بوستان کتاب.
۶۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۶۳. میبدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱)، کشف الاسرار و عده الابرار، به اهتمام علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات امیرکبیر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

